



Criminal Responsibility of Heads of State for Violating the Right to Access Medicine

Seyyed Hossein Hosseini^{1*}, Amin Hajivand¹

1. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: It is clear that the right to life is the most important human right. The right to health is one of the fundamental rights of human beings, which is raised in order to guarantee the right to life. One of the important and basic rights that is mentioned under the right to health and is recognized as one of the most important rights in order to achieve the right to health is the right to access medicine. The purpose of this study is to examine the criminal responsibility of the heads of state in the field of violation of the right to access to medicine.

Methods: This research is descriptive-analytical and library information collection.

Ethical Considerations: Scientific trustworthiness has been observed in all stages of the research.

Results: In international human rights documents, the right to access medicine is not explicitly mentioned as a fundamental right; But the right to health, which is one of the fundamental rights, also includes the right to access medicine. The right to access medicine (in the form of a more general right to medical care) is considered a fundamental human right. This right has been supported both independently and implicitly, in the form of the right to medical care, in various international documents. The criminal responsibility of the heads of state can be examined in this context, and the analytical examination of international documents is the way forward.

Conclusion: Deliberately placing a group in an inappropriate biological situation that leads to their total or partial deterioration is one of the material elements of genocide. In fact, the indirect destruction of a group by placing its members in harsh living conditions that sooner or later will lead to their destruction. Among the examples of this action, we can mention poor nutritional status, systematic expulsion from the place of residence and reduction of essential medical services. One of the heinous international crimes based on Article 7 of the Constitution is crimes against humanity, which is one of the examples of crimes against humanity if the heads of governments deliberately deprive a population of medicine in order to destroy them. Unlike crimes against humanity, any serious violation of international humanitarian law is considered a war crime as stated in Article 8 of the Statute. In this regard, omission such as not providing necessary medical care can be included in war crimes. The spiritual element of this crime can be intentional or negligent; Therefore, the conviction of the heads of state for committing these crimes regarding the lack of supply of medicine to civilians and the injured is likely. Causing great pain and suffering or serious injuries to the body or health is one of the actions leading to a gross violation of the Geneva Conventions, which is in the category of war crimes. Depriving civilians as a method of war by depriving them of the property that is necessary for their survival (such as medicine) is also a war crime and has become a customary rule in the practice of governments.

Keywords: Criminal Responsibility; Heads of State; Right to Health; Right to Access to Medicine; International Crimes

Corresponding Author: Seyyed Hossein Hosseini; **Email:** shosseini@um.ac.ir

Received: December 18, 2022; **Accepted:** February 13, 2023; **Published Online:** June 26, 2023

Please cite this article as:

Hosseini SH, Hajivand A. Criminal Responsibility of Heads of State for Violating the Right to Access Medicine. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e14.

مجله حقوق پزشکی

دوره هفدهم، شماره پنجاه و هشتم، ۱۴۰۲

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

مسئولیت کیفری سران دولت‌ها در قبال نقض حق دسترسی به دارو

سیدحسین حسینی^{۱*}، امین حاجی‌وند^۱

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پرواضح است که حق حیات به عنوان اصلی‌ترین حق بشری مطرح است. حق بر سلامت نیز که در جهت تضمین حق حیات مطرح می‌شود، از زمره حقوق اساسی انسان‌ها است. یکی از حق‌های مهم و اساسی که در ذیل حق بر سلامت مطرح می‌شود و جزء مهم‌ترین حق‌ها در جهت رسیدن به حق بر سلامت شناخته می‌شود، حق بر دسترسی به دارو است. هدف از این پژوهش بررسی مسئولیت کیفری سران دولت‌ها در زمینه نقض حق دسترسی به دارو است.

روش: این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل پژوهش، امانتداری علمی رعایت شده است.

یافته‌ها: در اسناد بین‌المللی حقوق بشری، صراحتاً از حق دسترسی به دارو به عنوان یک حق بنیادین نام برده نشده است، اما حق بر سلامت که از حقوق اساسی است، شامل حق بر دسترسی به دارو نیز می‌شود. حق دسترسی به دارو (در قالب حق کلی‌تر برخورداری از مراقبت‌های پزشکی) از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود. این حق چه به طور مستقل و چه به طور ضمنی، در قالب حق بر مراقبت‌های پزشکی، در اسناد بین‌المللی مختلف مورد حمایت قرار گرفته است. مسئولیت کیفری سران دولت‌ها در این زمینه قابل بررسی است که بررسی تحلیلی اسناد بین‌المللی راهگشای راه هستند. نقض حق دسترسی به دارو به مناسبت می‌تواند جنایت نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و یا جنایت جنگی محسوب گردد که در برخی از رویه‌های کیفری بین‌المللی قابل مشاهده است.

نتیجه‌گیری: قراردادن عمدی یک گروه در وضعیت زیستی نامناسب که به زوال کلی یا جزئی آنان منجر می‌شود، از عناصر مادی نسل‌کشی است. در واقع نابودی غیر مستقیم یک گروه با قراردادن اعضای آن در شرایط زیستی سخت که دیر یا زود به نابودی آن‌ها خواهد انجامید. از جمله مصادیق این اقدام می‌توان وضعیت نامناسب تغذیه، اخراج سیستماتیک از محل سکونت و تقلیل خدمات ضروری پزشکی را نام برد. یکی از جنایات شنیع بین‌المللی بر اساس ماده ۷ اساسنامه، جنایات علیه بشریت است که اگر سران دولت‌ها به صورت عمدی جمعیتی را از دارو به منظور نابودی آن‌ها محروم نماید، از مصادیق جنایات علیه بشریت خواهد بود. برخلاف جنایات علیه بشریت، هرگونه نقض جدی حقوق بین‌المللی بشردوستانه، جنایت جنگی محسوب می‌شود که در ماده ۸ اساسنامه مطرح شده است. در این خصوص ترک فعل مانند عدم ارائه مراقبت‌های لازم پزشکی می‌تواند مشمول جنایات جنگی قرار گیرد. عنصر معنوی این جنایت می‌تواند عمد و یا سهل‌انگاری باشد، بنابراین محکومیت سران دولت‌ها به ارتکاب این جرائم در مورد عدم تأمین دارو برای غیر نظامیان و مجروحان محتمل است. ایراد درد و رنج عظیم یا جراحات جدی به بدن یا سلامت در زمره اقدامات منجر به نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو است که در دسته جنایات جنگی قرار دارد) وفق بند ۲۵ از قسمت «ب» ماده ۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی استفاده از گرسنگی دادن به غیر نظامیان به عنوان یک روش جنگی از طریق محروم‌نمودن آنان از اموالی که برای بقایشان ضروری است (مانند دارو) نیز جرم جنگی بوده و در رویه دولت‌ها به قاعده عرفی مبدل گشته است.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری؛ سران دولت‌ها؛ حق بر سلامت؛ حق دسترسی به دارو؛ جنایات بین‌المللی

نویسنده مسئول: سیدحسین حسینی؛ پست الکترونیک: shosseini@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Hosseini SH, Hajivand A. Criminal Responsibility of Heads of State for Violating the Right to Access Medicine. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e14.

مقدمه

سلامت به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کرامت انسانی محسوب شده است (۱). حق برخورداری از بالاترین استاندارد قابل دستیابی سلامت جسمی و روانی فارغ از نژاد، مذهب، عقیده سیاسی و وضعیت اقتصادی یا اجتماعی به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشر، نخستین بار در اساسنامه سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۴۶ شناسایی شد. متعاقباً اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز سلامت را به عنوان بخشی از حق برخورداری از استاندارد مناسب زندگی شناسایی کرد که بعداً در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بر آن تأکید شد، پس از آن، اسناد بین‌المللی مختلفی به حق بر سلامت اشاره نموده‌اند (۲). سلامت مفهومی بسیار وسیع است، به گونه‌ای که سازمان جهانی بهداشت، معنای سلامتی را صرف فقدان بیماری در نظر نمی‌گیرد، بلکه دسترسی یک بیمار نسبت به خدمات پزشکی مناسب و دارو نیز جزء سلامتی است (۳). در واقع سازمان جهانی بهداشت به کمک کمیساری عالی حقوق بشر، حق بر سلامت مندرج در اعلامیه حقوق بشر و میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی را تفسیر کرده و یکی از اجزای بسیار مهم آن را حق دسترسی به دارو قلمداد نموده است که دسترسی به آن باید از سوی دولت‌ها تضمین شود (۴).

پرواضح است که صرف شناسایی حق دسترسی به دارو به تنهایی کافی نیست، بلکه هر کسی که این حق اساسی را نقض می‌کند، باید در قبال رفتار خلاف حقوق بشری خویش پاسخگو باشد که این ظرفیت پاسخگویی شخص از لحاظ کیفری، تحت عنوان «مسئولیت کیفری» شناخته می‌شود. به نظر می‌رسد که نقض این حق بیشتر از سوی سران دولت‌ها صورت می‌پذیرد. بنابراین این امر بدیهی است که «تعقیب و محاکمه جنایات بین‌المللی سران دولت‌ها، دفاع از مصالح عالی بشری را امکان‌پذیر می‌کند» (۵).

در زمان‌های گذشته، اصل پذیرفته‌شده «مصونیت سران و مسئولان کشورها» از تعقیب کیفری باعث مصون‌ماندن بسیاری از جنایتکاران اصلی که مباشر یا طراح جرائم شنیع

بین‌المللی بودند از محاکمه و مجازات می‌شد، اما به مرور زمان، این اصل در مواردی که آنان مرتکب جرائم شنیع می‌شدند که ارتباطی با وظایف و مسئولیت‌های دولتی آن‌ها نداشت، با استثنا مواجه گشت (۶). جنایاتی که سران دولت‌ها مرتکب می‌شوند، از زمره جرائم خشن و شدید محسوب می‌گردد. مرتکبان این جنایات، دشمنان بشریت هستند و رفتارشان نباید بی‌کیفر بماند. جنایات بین‌المللی مانند جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی، اشکال شدید خشونت هستند که عمدتاً سران دولت‌ها از مرتکبان اصلی این جرائم هستند.

جرم‌شناسان فعال در حوزه جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی که به عنوان یکی از شاخه‌های جدید جرم‌شناسی انتقادی محسوب می‌گردد، به گونه‌شناسی مرتکبان این دسته از جنایات پرداخته‌اند. «یکی از گونه‌های مهم، مغز متفکر جنایی است. از منظر این جرم‌شناسان، در همه جنایات بین‌المللی در رأس این دسته از جنایات، سران دولت‌ها قرار دارند. این دسته از مرتکبان ظالم، سخت‌گیر و بی‌رحم هستند. این مرتکبان مغزهای متفکر جنایی هستند. سران دولت‌ها تشنه قدرت بوده و در راستای حفظ قدرت مرتکب جنایات بین‌المللی می‌شوند. مغز متفکر جنایی در مقایسه با دیگر مرتکبان، متمایز است، زیرا این دسته خودشان را تحت هیچ اقتداری نمی‌بینند و سران دولت‌ها نمونه مهم این جنایات هستند» (۷)، ضمن اینکه در جنایات بین‌المللی، رقم سیاه مضاعف وجود دارد که تعداد جرائم کشف‌نشده به علت اینکه سران دولت‌ها خود از مرتکبان اصلی این جرائم هستند، مضاعف است و سران دولت‌ها ثبت وقایع جهانی را ناکام می‌گذارند (۸).

ایجاد یک دادگاه کیفری بین‌المللی با صلاحیت بالقوه جهانی، یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌های حقوق کیفری بین‌المللی است. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نه تنها نهاد قضایی نوینی در ارتباط با محاکمه جرائم بین‌المللی تأسیس کرده، بلکه به وضع قواعد جدیدی در خصوص حقوق کیفری بین‌المللی نیز پرداخته است (۹). در جهت برخورد با جنایات بین‌المللی، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای مقابله با بی‌کیفرمانی جنایتکاران جنایات بین‌المللی در ۲۰۰۲، لازم‌الاجرا شد. این

روش

نوشتار حاضر در جهت پاسخ به سؤالات ذکرشده، با روش توصیفی - تحلیلی ابتدا به بررسی حق دسترسی به دارو در اسناد بین‌المللی و سپس به پژوهش در خصوص مسئولیت کیفری سران دولت‌ها در اسناد دیوان کیفری بین‌المللی خواهد پرداخت که در ذیل بررسی‌ها به وضعیت برخی از نزاع‌های بین‌المللی چند سال اخیر به صورت موردی نیز پرداخته می‌شود.

یافته‌ها

در اسناد بین‌المللی حقوق بشری، صراحتاً از حق دسترسی به دارو به عنوان یک حق بنیادین نام برده نشده است، اما حق بر سلامت که از حقوق اساسی است، شامل حق بر دسترسی به دارو نیز می‌شود. حق دسترسی به دارو (در قالب حق کلی‌تر برخورداری از مراقبت‌های پزشکی) از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود. این حق چه به طور مستقل و چه به طور ضمنی، در قالب حق بر مراقبت‌های پزشکی، در اسناد بین‌المللی مختلف مورد حمایت قرار گرفته است. مسئولیت کیفری سران دولت‌ها در این زمینه قابل بررسی است که بررسی تحلیلی اسناد بین‌المللی راهگشای راه هستند.

بحث

۱. حق دسترسی به دارو در اسناد بین‌المللی

۱-۱. منشور ملل متحد: این حق ابتدا در بند «الف» ماده ۵۵ منشور ملل متحد که در واقع اسناد و سند تشکیل سازمان ملل متحد است، مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار گرفت. این بند مقرر داشته: «با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تأمین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌الملل بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل، سازمان ملل متحد امور زیر را تشویق خواهد کرد:

الف - بالا بردن سطح زندگی، فراهم‌ساختن کار برای حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی؛ ب - حل مسائل بین‌الملل اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و مسائل مربوط

اساسنامه از عبارت جدی‌ترین جرائمی که مرتبط با کل جامعه بین‌المللی هستند، تقریباً به عنوان جرائم هسته‌ای استفاده کرده و ابراز می‌دارد چنین جرائمی تهدیدی علیه صلح، امنیت و رفاه جهانی است. به درستی چنین جرائمی که توسط حقوق بین‌الملل به عنوان جرائم مرتبط با جامعه بین‌المللی ایجاد و تنظیم شده‌اند، معمولاً تهدیدی علیه منافع بین‌المللی و یا ارزش‌های اساسی تلقی می‌شوند (۱۰). با عنایت به مطالب بیان شده، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به پرسش‌های ذیل که اهداف تحقیق هستند، پاسخ خواهد داد:

- حق دسترسی به دارو در اسناد بین‌المللی و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی از چه جایگاهی برخوردار است؟
- نقض حق دسترسی به دارو، در مهم‌ترین مرجع کیفری بین‌المللی حال حاضر (دیوان بین‌المللی کیفری) چگونه و در قالب چه مصادیقی می‌تواند باعث مسئولیت کیفری (علی‌الخصوص سران دولت‌ها) شود؟

در خصوص پیشینه پژوهش که جنبه نوآوری نیز روشن می‌گردد، لازم به ذکر است که کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی در خصوص جنایات بین‌المللی نگاشته شده است (از جمله کتاب‌های مرجع حقوق جزای بین‌الملل)، اما هیچ کدام از پژوهش‌های صورت‌گرفته، به صورت موردی، مسئولیت کیفری سران دولت‌ها در زمینه نقض حق دسترسی به دارو را مورد بررسی قرار نداده است. پژوهش نگار نامی پارسا (۱۳۹۳ ش.) تحت عنوان «تأمین دارو، حقوق و تکالیف دولت‌ها در نظام بین‌المللی» نشر شهر دانش، به بررسی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها پرداخته و از لحاظ حقوق بین‌الملل پژوهش جامعی است، اما به بررسی مسئولیت کیفری سران دولت‌ها (حقوق جزای بین‌الملل) در این زمینه نپرداخته است. بنابراین این پژوهش از جهات گفته‌شده، دارای ابتکار و نوآوری پژوهشی است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تفصیل بیشتری به حق بر سلامت (و از جمله حق بر دسترسی به دارو) می‌پردازد: ۱- کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن الحصول به رسمیت می‌شناسند؛ ۲- تدابیری که کشورهای طرف این میثاق برای تأمین استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد، شامل اقدامات لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود: ... ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلا به بیماری.

۱-۶. کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹: ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک نیز حق بر درمان و مراقبت پزشکی را به عنوان یکی از حقوق بنیادین کودکان مورد تأکید قرار می‌دهد. روشن است که دسترسی به دارو، لازمه چنین حقی است: «۱- کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را جهت برخورداری از بالاترین استاندارد بهداشت و از تسهیلات لازم برای درمان بیماری و توانبخشی به رسمیت می‌شناسند. آنان برای تضمین اینکه هیچ کودکی از رسیدن به این حق و دسترسی به خدمات بهداشتی محروم نخواهد شد، تلاش خواهند نمود؛ ۲- کشورهای طرف کنوانسیون موضوع را تا اجرای کامل این حق دنبال خواهند کرد و خصوصاً در زمینه‌های ذیل روش‌های مناسب را اتخاذ خواهند کرد: - کاهش میزان مرگ و میر نوزادان و کودکان؛ - تضمین فراهم‌نمودن مشورت‌های پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی اولیه؛ - مبارزه با بیماری‌ها و سوء‌تغذیه، از جمله در چارچوب مراقبت‌های بهداشتی اولیه از طریق به کار بستن تکنولوژی‌های در دسترس و از طریق فراهم‌نمودن مواد غذایی مقوی و آب آشامیدنی سالم و در نظر گرفتن خطرات آلودگی محیط زیست.»

۱-۷. اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۹۰: بند «ج» ماده ۱۵ اعلامیه اسلامی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «دولت مکلف است حق هر انسانی را در زندگی شرافتمندانه‌ای که بتواند از طریق آن مایحتاج خود و خانواده‌اش را بر آورده سازد و شامل خوراک و پوشاک و مسکن و آموزش و درمان و سایر نیازهای اساسی می‌شود، تضمین نماید.»

به آن‌ها و همکاری بین‌المللی فرهنگی و آموزش؛ ج - احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب.»

چنانکه ملاحظه می‌شود، کشورهای عضو این سازمان ابتدا در بند «الف» ملتزم به ارتقای سطح زندگی انسان‌ها شده‌اند و در همین راستا، در بند «ب»، مکلف به یافتن راه حل‌های مسائل بین‌المللی راجع به سلامت می‌نماید. بی‌گمان، یکی از شیوه‌های ارتقای استانداردهای بالاتر زندگی، ایجاد امکان دسترسی افراد بشر به دارو و افزایش مقابله با بیماری‌ها و گسترش سطح بهداشت جامعه است.

۱-۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر: بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ چنین بیان می‌کند: «همه افراد بشر از حق استاندارد حمایت مناسب برای بهداشت و رفاه خود و خانواده‌شان از جمله غذا، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری و حق تأمین در مواقع بیکاری، بیماری، معلولیت، کهنسالی یا دیگر نیازهای زندگی در شرایط حاد بهره‌مند می‌باشند.»

۱-۳. اساسنامه سازمان بهداشت جهانی ۱۹۴۸: مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت جهانی، از جهت بحث ما به طور خاص به این دلیل حائز اهمیت است که صراحتاً حق بر سلامت را به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر بیان می‌کند: «بهره‌مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامت، یکی از حقوق بنیادین هر انسان است» و «سلامت ملت‌ها برای دستیابی به صلح و امنیت، جنبه بنیادین دارد.»

۱-۴. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶: بند ۲ ماده ۱ میثاق مقرر می‌دارد: «در هیچ موردی نمی‌توان ملتی را از وسایل معاش خود محروم کرد.»

ماده ۶ میثاق نیز با بیان اینکه حق حیات، از حقوق ذاتی انسان است، تکلیف ضمنی به رعایت لوازم این حق که حق بر دسترسی به دارو نیز از جمله آن‌ها است، ایجاد کرده است.

۱-۵. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶: علاوه بر بند ۲ ماده ۱ این میثاق که با میثاق حقوق مدنی و سیاسی مشترک است، ماده ۱۲ آن نیز با

قرار داشته‌اند؛ دوم حقوق بین‌الملل بشردوستانه (که با عنوان حقوق جنگ هم شناخته می‌شود) یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل است که دو کارویژه اصلی دارد: نخست اینکه اعلام می‌دارد هنگام درگرفتن درگیری مسلحانه (چه بین‌المللی و چه غیر بین‌المللی)، حق دولت‌ها در انتخاب روش‌ها و سلاح‌های جنگی نامحدود نیست؛ دوم اینکه از حیات، سلامت و کرامت انسان‌هایی که در درگیری مشارکت نکرده یا به مشارکت خود در درگیری پایان داده‌اند (شامل غیر نظامیان، اسیران جنگی، مجروحان و بیماران) باید حمایت صورت بگیرد؛ سوم حقوق بشردوستانه از طریق اصولی همچون اصل تفکیک، منع به قحطی کشاندن غیر نظامیان، اصل ضرورت و اصل تناسب، بین ضرورت‌های نظامی و کرامت انسانی پل می‌زند و سعی در انسانی‌تر کردن پدیده جنگ دارد: ۱- اصل تفکیک نظامیان و غیر نظامیان: اصل تفکیک نظامیان و غیر نظامیان در مواد ۱۳ و ۲۷ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو ذکر شده است؛ ۲- منع به قحطی کشاندن غیر نظامیان: به عنوان مثال، ماده ۵۴ پروتکل اول (جنگ‌های نامنظم) و مواد ۱۴ و ۱۸ پروتکل دوم الحاقی (جنگ‌های داخلی) مصوب ۱۹۷۷ تصریح دارند که «به قحطی کشاندن غیر نظامیان نمی‌تواند وسیله جنگی قرار گیرد»، این اصل منحصر به غذا نیست و شامل تمامی ملزومات اولیه زندگی، مانند دارو، آب و حتی پوشاک نیز می‌شود، از سوی دیگر، این اصل، جزء اصول قراردادی حقوق بین‌الملل نیست. بلکه مبنای عرفی دارند.

به این ترتیب حق دسترسی به دارو، حتی در مخاصمات مسلحانه، اعم از بین‌المللی و داخلی، نیز قابل اعمال است و در این شرایط نیز قابل تعلیق نیست، لذا مثلاً محاصره عام که مانع رسیدن این ملزومات اساسی شود، جنایت جنگی است. حتی در کنوانسیون‌های لاهه (۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ م.) که از قدیمی‌ترین اسناد حقوق بشردوستانه هستند، جلوه‌هایی از احترام به این حق در زمان جنگ دیده می‌شود.

۲. مسئولیت کیفری ناشی از نقض حق دسترسی به دارو: مطالب مذکور در بند قبل نشان داد که حق دسترسی به دارو، بی‌تردید یکی از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود. از

۸-۱. اصول راهنمای سازمان ملل متحد برای کسب و کار و حقوق بشر ۲۰۱۱: در حالی که مسئولان اصلی تأمین حق‌های بنیادین بشر، دولت‌ها هستند، اهمیت حق دسترسی به دارو، به اندازه‌ای بوده است که حتی بخش خصوصی نیز در این زمینه دارای تکلیف دانسته شده است. اصول راهنمای سازمان ملل متحد برای کسب و کار و حقوق بشر که در سال ۲۰۱۱ به طور اجماعی به تصویب شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد رسیده است، بخش خصوصی را مکلف می‌کند که در مبارزه با نقض حق دسترسی به دارو نقش ایفا کند. جامعه بین‌المللی نیز مکلف است برای کمک به کشورهایی که فاقد منابع کافی برای تأمین دسترسی به داروهای اساسی هستند، اقدام کند.

۹-۱. اسناد حقوق بشردوستانه بین‌المللی: «حقوق بشردوستانه بین‌المللی در گذر زمان در حال تکامل بوده و دامنه صیانت از مجموعه‌های تحت حمایت آن گسترش یافته است» (۱۱). امروزه مداخله حقوق کیفری در وضعیت‌ها و مخاصمات ایجادشده در حوزه‌های حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه به آنچنان بلوغ و تکاملی رسیده که کم‌کم می‌توان سخن از نظام حقوق موضوعه کیفری بین‌المللی به میان آورد. حقوق کیفری به هواخواهی حقوق بین‌الملل بسیج شده و در طی یک فرآیند هنجارهای خاص خود را ترویج و حقوق‌های کیفری داخلی را تقویت نموده و بالعکس موجب شده تا نظام‌های کیفری داخلی در فرآیند جهانی‌شدن به کمک حقوق کیفری بین‌المللی بشتابند و آمادگی فنی و هوشیاری زرادخانه سیاست جنایی بین‌المللی را در مواجهه با جرائم احتمالی در حوزه حقوق کیفری بین‌المللی بشردوستانه حفظ نماید (۱۲). اسناد حقوق بشردوستانه بین‌المللی را در خصوص حق دسترسی به دارو به شرح ذیل می‌توان بیان داشت: اول حق بر مراقبت‌های پزشکی و دسترسی به دارو، علاوه بر اینکه در اسناد بین‌المللی حقوق بشری به شرح مذکور در بندهای قبل مورد حمایت قرار گرفته، در اسناد مربوط به حقوق بشردوستانه بین‌المللی که اهم قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه را بیان می‌کنند نیز مورد توجه

نابودکردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می‌یابد و طبق بند «پ» این ماده، یکی از اعمال مذکور عبارت است از «قراردادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود.»

منظور از شرایط زیستی نامناسب مشخص نیست، ولی از لحاظ رویه قضایی بین‌المللی کیفری، در پرونده آکایسو، یکی از موارد آن تقلیل خدمات ضروری پزشکی و دارویی قلمداد شده است (۱۵). روشن است که ممانعت از دسترسی به دارو، از مصادیق بارز ایجاد وضعیتی است که می‌تواند باعث زوال یک گروه قومی، نژادی یا مذهبی شود، لذا می‌تواند مصداق نسل‌کشی قرار گیرد.

۲-۲. جنایت علیه بشریت: یکی از انواع جرائم مهم بین‌المللی، جنایت علیه بشریت است. جنایت علیه بشریت به قدمت خود بشریت است، هرچند واژه جنایات علیه بشریت به طور جسته و گریخته از قرن‌ها پیش مورد استفاده قرار گرفته است، ولی در شکل فعلی آن در سال ۱۹۱۵ به کار رفت. در آن سال، سه قدرت بزرگ یعنی انگلستان، روسیه و فرانسه در اعلامیه مشترکی در ۲۸ می، قتل عام ارامنه توسط دولت عثمانی در ترکیه را جنایت علیه بشریت و تمدن نامیده و مرتکبان آن را مسئول دانستند. پس از جنگ جهانی دوم این جنایت در ماده ۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، ماده ۳ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا و در نهایت در ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، به عنوان جنایات قابل تعقیب مطرح و تعریف شدند (۱۶).

این نوع جنایت بین‌المللی در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مورد توجه قرار گرفته است. مطابق این ماده، جنایت علیه بشریت، عبارت است از هر یک از اعمال مشروحه ذیل، هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته بر ضد یک جمعیت غیر نظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می‌یابد.

این رو نقض آن، هنگامی که در قالب یک جرم بین‌المللی قرار گیرد، می‌تواند علاوه بر مسئولیت مدنی، باعث مسئولیت کیفری مرتکبان نیز گردد. مرتکبان جرائم بین‌المللی نیز غالباً سران حکومت‌ها و دارندگان قدرت در سطوح بالا هستند و مراجع کیفری بین‌المللی نیز برای رسیدگی به جرائم همین افراد تشکیل شده‌اند.

در اینجا به این موضوع می‌پردازیم که نقض حق دسترسی به دارو، در مهم‌ترین مرجع کیفری بین‌المللی حال حاضر (دیوان بین‌المللی کیفری) چگونه و در قالب چه مصادیقی می‌تواند باعث مسئولیت کیفری شود.

۱-۲. نسل‌کشی: «نسل‌کشی به معنی کشتار و نابودی یا تخریب عمدی گروه‌های انسانی یا کل اعضای یک گروه می‌باشد. نسل‌کشی در ابتدا صرفاً به عنوان یک طبقه فرعی از جرائم علیه بشریت ظاهر شد. ماده ۶ منشور دیوان بین‌المللی نظامی نورنبرگ و ماده ۲ قانون شماره ۱۰ شورای نظارت، صراحتاً از نسل‌کشی به عنوان یک طبقه مستقل از جرائم، نامی نبردند. دیوان بین‌المللی توکیو نیز اشاره صریحی بر نسل‌کشی نکرد. این دیوان‌ها در رسیدگی به موضوع ریشه‌کن کردن یهودیان و سایر جمعیت‌های قومی یا مذهبی، اکثراً به جرم آزار جمعی اشاره کردند» (۱۳). آنچه جنایت نسل‌کشی را از سایر جنایات دیگر از قبیل جنایات علیه بشریت و... متمایز می‌کند و باعث می‌شود که از آن به عنوان شنیع‌ترین جنایت بین‌المللی تعبیر شود، به عنصر معنوی این جنایت مربوط است. در واقع مرتکب چنین جنایتی، قصد نابودکردن تمام یا بخشی از یک گروه را دارند و به دنبال نابودسازی تاریخ، هویت و فرهنگ گروه هدف در کلیت آن هستند و این همان جنبه‌های است که این جنایت را از سایر انواع خشونت و سبیت‌های دیگری که حتی ممکن است در ابعادی بسیار گسترده‌تر نیز صورت پذیرد، متفاوت و متمایز می‌کند (۱۴). در عنصر روانی نسل‌کشی، قصد خاص، نابودی کلی یا جزئی یک گروه است که منظور از نابودی، نابودی فیزیکی یا بیولوژیکی است.

ماده ۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، منظور از نسل‌کشی را هر یک از اعمال مشروحه ذیل می‌داند، آنگاه که به قصد

طبق بند «ب» پاراگراف ۱ این ماده، یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت «ریشه‌کن کردن» است و مطابق بند «ب» پاراگراف ۲ همین ماده: «ریشه‌کن کردن شامل تحمیل عمدی وضعیت خاصی از زندگی است، از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و دارو که به منظور منهدم کردن بخشی از یک جمعیت برنامه‌ریزی می‌شود.»

با این وصف، محروم کردن از دسترسی به دارو، چنانچه به طور گسترده یا سازمان‌یافته علیه یک جمعیت غیر نظامی صورت گیرد، جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود.

البته تحریم‌های دارویی را نیز می‌توان در مواردی ذیل جنایات علیه بشریت (بند «ک» ماده ۷ اساسنامه) قرار داد. تحریم‌ها اصل تمایز میان مردم عادی و دولت‌مردان را نادیده می‌گیرند. تغصیف یا مجازات دولت از طریق تغصیف اقتصادی جامعه صورت می‌گیرد. مردم به خصوص اقشار ضعیف و افراد خردسال جامعه مستقیماً در معرض این مجازات‌ها قرار گرفته و بیشترین آسیب‌ها و مشکلات را متحمل می‌شوند که بر اساس هیچ کدام از اصول اخلاقی و در قالب هیچ مکتب حقوقی، نمی‌تواند عادلانه تلقی شود (۱۷).

در حقوق بین الملل نیز مقوله «مسئولیت حمایت»، دسترسی به دارو را به عنوان استثنایی در تحریم اقتصادی طرح نموده است (۱۸)، اما متأسفانه سران دولت‌ها با یک عمل غیر انسانی، علیرغم اینکه اعلام می‌کنند دارو شامل موارد تحریم نمی‌شود، اما عملاً تحریم دارویی صورت می‌پذیرد و این یکی از مصادیق بارز تروریسم اقتصادی است که نمونه آن در شیوع ویروس کرونا از سوی آمریکا علیه بسیاری از کشورها به خصوص ایران دیده شد.

مطابق بند «ک» ماده ۷ اساسنامه، اعمال غیر انسانی، باید عمداً ایجاد شده و موجب ایجاد رنج یا ورود جراحت شدید به جسم و روان یا سلامت شخص شود. جهت تشخیص اعمال غیر انسانی مشابه می‌توان به اسناد بین‌المللی مراجعه نمود که با نقض آن‌ها ممکن است با وجود سایر شرایط به یک جنایت علیه بشریت منتهی شود. برای مثال «در بسیاری از اسناد و

معاهدات بین‌المللی، تروریسم و اقسام آن، از جمله تحریم دارویی جزء اعمال غیر انسانی است» (۱۹)

۲-۳. جنایت جنگی: جنایات جنگی نقض رشته‌ای از حقوق محسوب می‌شود که به حقوق بشردوستانه معروف است. بر خلاف سایر جنایاتی که در صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد، جنایات جنگی در حقوق بین‌الملل شناخته شده است و رویه‌های بین‌المللی و ملی مشخصی در خصوص آن‌ها وجود دارد. همچنین این جنایات، نخستین جنایاتی بودند که به موجب حقوق بین‌الملل، تحت پیگرد قرار گرفتند. جنایات جنگی که در منشور دادگاه نورنبرگ به طور مختصر و موجز تدوین شده بود، بعدها در قالب مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو کامل‌تر شد تا اینکه در سال ۱۹۷۷، این کنوانسیون‌ها نیز با دو پروتکل الحاقی تکمیل شد، ولی در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به طور کلی ۵ مورد از جنایات جنگی گفته شده است.

این نوع جنایت بین‌المللی، مطابق ماده ۸ اساسنامه دیوان و با این عبارات، تحت صلاحیت دیوان قرار گرفته است: «دیوان نسبت به جنایات جنگی صلاحیت دارد به ویژه هنگامی که در قالب یک برنامه یا سیاست عمومی یا در قالب ارتکاب گسترده چنین جرائمی صورت گرفته باشد.»

طبق بند ۲۵ از قسمت «ب» ماده ۸ اساسنامه دیوان، یکی از این اعمال عبارت است از: «محروم کردن غیر نظامیان از موادی که برای بقایشان ضروری است، از جمله جلوگیری خودسرانه از رسیدن کمک‌های امدادی پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌های ژنو.»

یکی از مصادیق اصلی این‌گونه کمک‌های امدادی، محموله‌های دارو هستند.

از سوی دیگر، طبق بند ۳ قسمت «ت» همین ماده، یکی دیگر از مصادیق جنایات جنگی، عبارت است از: «معطوف کردن حملات به مواد، واحدها و خودروهایی که در کمک‌رسانی بشردوستانه یا مأموریت حفظ صلح به موجب منشور ملل متحد به کار گرفته می‌شوند.»

ماه مارس ۲۰۱۵ آغاز شد. یک ماه بعد، رخدادی اتفاق افتاد که عملاً به محاصره کامل کشور یمن و از جمله ممانعت از رسیدن دارو به این کشور، انجامید. این رخداد، قطعنامه ۲۲۱۶ مصوب آوریل ۲۰۱۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد بود که یکی از مهم‌ترین فرازهای آن این بود که تمامی کشتی‌ها به مقصد یمن مورد بازرسی قرار گیرد. این مقرر، بهانه‌ای شده است برای نیروهای ائتلاف عربی، برای اینکه عملاً مانع رسیدن کمک‌های بشردوستانه، مانند دارو، به این کشور شوند. این وضعیت، پس از حمله موشکی اخیر نیروهای انصارالله یمن به ریاض، حادثه شده است.

اخیراً در نوامبر ۲۰۱۷، گزارشگر سازمان ملل در بیانیه‌ای اعلام کرد ۱۳ میلیون یمنی دسترسی به غذای کافی ندارند و در این میان، شش میلیون نفر به دلیل گرسنگی، قحطی و عدم دسترسی به دارو با خطر مرگ رو به رو هستند. مارک لوکاک (Mark Lowcock) هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه سازمان ملل متحد، در گزارش خود بیان می‌دارد که قحطی در یمن که در پی حمله موشکی اخیر از یمن به عربستان و تشدید محاصره یمن توسط نیروهای ائتلاف عربستان، افزایش یافته است، مانند قحطی در سودان جنوبی نیست که صدها هزار نفر را تحت تأثیر قرار داد. مانند قحطی در سومالی هم نیست که جان ۲۵۰ هزار نفر را در سال ۲۰۱۱ گرفت، بلکه بزرگ‌ترین قحطی در چند دهه اخیر در تمام دنیا است و میلیون‌ها قربانی خواهد داشت (۲۳).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که حق دسترسی به دارو، یکی از حقوق بنیادین بشری است که در اسناد مختلف بین‌المللی، اعم از حقوق بشری و مرتبط با حقوق بشردوستانه، مورد توجه و حمایت قرار گرفته است. از سوی دیگر، تعرض به این حق در فروض مختلف، اعم از اینکه در زمان جنگ و منازعه باشد یا در غیر آن، در قالب جنایات مختلف بین‌المللی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه مرتکبان اصلی جرائم بین‌المللی، سران حکومت‌ها و به طور کلی، دارندگان قدرت هستند، منع دسترسی به دارو توسط این

۴-۲. مطالعه موردی: تا حد بررسی نگارندگان، تاکنون موردی وجود نداشته است که مراجع کیفری بین‌المللی، فرد یا افرادی را منحصراً به دلیل نقض حق دسترسی به دارو و حتی فراتر از آن، خدمات پزشکی، به ارتکاب جنایات بین‌المللی محکوم کرده باشند. شاید این امر تا حدودی ناشی از این واقعیت باشد که حقوق بین‌الملل کیفری، هنوز در مراحل اولیه تکامل خود قرار دارد و پوشش فراگیر نسبت به تمامی جنایات بین‌المللی پیدا نکرده است.

اما این امر بدان معنا نیست که هیچ مصداقی از این‌گونه جنایات بین‌المللی ارتکاب نیافته است. به عنوان مثال در سپتامبر ۲۰۰۷ سازمان پزشکان بدون مرز گزارش داد که در جنگ داخلی اتیوپی، سربازان دولتی از منع دسترسی به خدمات پزشکی و دارو در منطقه‌ای که شورشیان در آنجا بودند، به عنوان ابزاری جنگی استفاده کردند، به طوری که برای شش ماه مانع رسیدن دارو به آن منطقه شدند.

مورد جدیدتری که قابل توجه است، وضعیت پیش‌آمده پس از مداخله نظامی ائتلاف کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی، در کشور یمن است. در سال‌های اخیر منازعاتی به وقوع پیوسته که عامل نخستین آن‌ها نفرت‌های نژادی، قومی، دینی و مذهبی ریشه‌داری بوده است که مردم را به ستیز با یکدیگر واداشته‌اند (۲۰). یکی از این منازعات یمن است. این نوع نزاع‌ها از خود آثار برون‌مرزی به جای می‌گذارند و به همین دلیل، ماهیتی بین‌المللی می‌یابند (۲۱). به هنگام چنین منازعاتی، اشخاص غیر نظامی دچار صدمات جدی می‌شوند.

شورای امنیت در قطعنامه شماره ۲۰۱۴ در سال ۲۰۱۱، از وضعیت یمن نیز اظهار نگرانی می‌کند و البته به یکباره، از اوایل سال ۲۰۱۵، چنان اوضاع در یمن از کنترل خارج می‌شود، گو اینکه شورای امنیت با مشی و روشی که در پیش گرفته وارد دسته‌بندی‌های سیاسی شده و نظاره‌گر کشتار زنان و کودکان یمنی شده است. به نظر می‌رسد با توجه به گزارش نهادهای حقوق بشری، انواع و اقسام جنایات در این سته از نزاع‌ها در یمن اتفاق افتاده است (۲۲). این مداخله نظامی از

اشخاص می‌تواند برای آن‌ها مسئولیت کیفری بین‌المللی در قالب نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی ایجاد کند. حق دسترسی به دارو به عنوان یکی از مصادیق حق بر سلامت، یکی از حقوق بنیادین بشری است که در اسناد بین‌المللی متعددی مورد تأکید قرار گرفته است. یکی از وظایف اساسی هر دولتی عبارت است از اینکه حق بر سلامت را برای تمام شهروندان خویش تضمین کند. بر این اساس نقض این حق، توسط سران دولت‌ها می‌تواند سبب مسئولیت کیفری آن‌ها گردد، چراکه حقوق کیفری بین‌المللی، زمانی پا به عرصه می‌گذارد که مهم‌ترین و اساسی‌ترین حقوق بشری نقض شوند. اگر نقض تعهدات بین‌المللی منجر به بروز جنایات بین‌المللی مذکور در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری شود، می‌توان علاوه بر احراز مسئولیت مدنی دولت، مسئولیت کیفری را برای رؤسا و سران حکومتی آمر در نظر گرفت. اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مسئولیت کیفری در جنایات بین‌المللی را منحصرأ متوجه اشخاص حقیقی می‌داند. نقض حق دسترسی به دارو بر اساس اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی تواند به مناسبت، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و یا جنایت جنگی محسوب شود. بر اساس ماده ۶ اساسنامه، قراردادن عمدی یک گروه در وضعیت زیستی نامناسب که به زوال کلی یا جزئی آنان منجر می‌شود، از عناصر مادی ژنوساید یا همان نسل‌کشی است. در واقع نابودی غیر مستقیم یک گروه با قراردادن اعضای آن در شرایط زیستی سخت که دیر یا زود به نابودی آن‌ها خواهد انجامید. این عنصر مادی، مقید به نتیجه نبوده و لزومی ندارد که منجر به نابودی تمام یا قسمتی از این گروه شود و از جمله مصادیق این اقدام می‌توان وضعیت نامناسب تغذیه، اخراج سیستماتیک از محل سکونت و تقلیل خدمات ضروری پزشکی را نام برد. یکی از جنایات شنیع بین‌المللی بر اساس ماده ۷ اساسنامه، جنایات علیه بشریت است که اگر سران دولت‌ها به صورت عمدی جمعیتی را از دارو به منظور نابودی آن‌ها محروم نماید از مصادیق جنایات علیه بشریت خواهد بود.

برخلاف جنایات علیه بشریت، هرگونه نقض جدی حقوق بین‌المللی بشردوستانه، جنایت جنگی محسوب می‌شود که در ماده ۸ اساسنامه مطرح شده است. در این خصوص ترک فعل مانند عدم ارائه مراقبت‌های لازم پزشکی می‌تواند مشمول جنایات جنگی قرار گیرد. عنصر معنوی این جنایت می‌تواند عمد و یا سهل‌انگاری باشد، بنابراین محکومیت سران دولت‌ها به ارتکاب این جرائم در مورد عدم تأمین دارو برای غیر نظامیان و مجروحان محتمل است. ایراد درد و رنج عظیم یا جراحات جدی به بدن یا سلامت در زمره اقدامات منجر به نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو است که در دسته جنایات جنگی قرار دارد) وفق بند ۲۵ از قسمت «ب» ماده ۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی استفاده از گرسنگی دادن به غیر نظامیان به عنوان یک روش جنگی از طریق محروم‌نمودن آنان از اموالی که برای بقایشان ضروری است (مانند دارو) نیز جرم جنگی بوده و در رویه دولت‌ها به قاعده عرفی مبدل گشته است. عدم تأمین دارو به عنوان ترک فعل و منع پذیرش کمک‌های بشردوستانه به عنوان فعل در نظر گرفته می‌شود. عنصر معنوی این جرم علاوه بر قصد انجام چنین عملی شامل بی‌مبالاتی نیز می‌شود و لزومی ندارد که سران دولت، اثرات چنین عملی را قصد کرده باشند. با عنایت به مطالب گفته‌شده می‌توان گفت که در موارد فوق‌الذکر که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مطرح شده است، سران دولت‌ها و آمران این جنایات بین‌المللی که جمعیتی را از حق بشری خود که همان حق دسترسی به دارو است محروم می‌کنند، از لحاظ کیفری بایستی در قبال جنایات شنیع خود پاسخگو باشند.

مشارکت نویسندگان

سیدحسین حسینی: پیشنهاد موضوع، ارائه پلان و نظارت.

امین حاجی‌وند: نگارش مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

References

1. Bidar Z, Ghasemi G. Role of NGOs in Developing the Right of Health. *Iran J Med Law*. 2020; 14(52): 7-26. [Persian]
2. Ebrahimgol A, Roshanfekar P, Lotfi A. Human Rights and Fighting Infectious Disease: Necessities and Challenges, *Public Law Studies Quarterly*. 2021; 51(1): 263-283. [Persian]
3. Hellsen K. The right to health, *The Essentials of Human Rights*. Edited by Rhona RKM, Van den Anker C. In: *The Essentials of Human Rights*. London: Hodder Education Publishers; 2005.
4. WHO. Human Rights and Health. 2017. Available at: <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/human-rights-and-health>.
5. Cassese A. The International Society and the Massacre, in the Collection of Articles on International Criminal Law. Translated by Ardabili MA. Tehran: Mizan Publications; 2009. [Persian]
6. Mirmohammad Sadeghi H. *International Criminal Court*. Tehran: Mizan Publications; 2017. [Persian]
7. Smeulers A. *Perpetrators of International Crimes: Towards a Typology*. Cambridge: Intersentia Publication; 2019.
8. Bileveld C. *Missing Pieces: Some Thoughts on the Methodology towards Criminology of International Crimes*. Cambridge: Intersentia Publication; 2019.
9. Cryer R, Robinson D, Vasiliev S. *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*. Cambridge: Cambridge University Press. 2019.
10. Bassiouni Cherif M. *International Criminal Law*. New York: New York Press; 2008.
11. Seyedzadeh Sani M, Farhadi Alashti Z. Compensation for the Destruction of Cultural Heritage in the International Criminal Court by Looking at al-Mahdi's Case. *Quarterly Journal of Criminal Law and Criminology Studies*, University of Tehran. 2017; 49(1): 111-132. [Persian]
12. Razavifard B. *General International Criminal Law*. Tehran: Mizan Publication; 2013. [Persian]
13. Cassese A. *International Criminal Law*. Oxford: Oxford University Press; 2003.
14. Zakerian M. *International Criminal Courts*. Tehran: Tisa Publication; 2015.
15. Akayesu ICTR A.Ch. 1.6. 2001. para.506.
16. Golkhandan S. *A Criminological Study of the Effective International Factors on Committing Crimes against Humanity*. *Journal of Criminal Law and Criminology*. 2019; 7(13): 81-107. [Persian]
17. Yazdanfam M. *International Sanctions and the Islamic Republic of Iran's National Security*. *Strategic Studies Quarterly*. 2007; 9(4): 789-821. [Persian]
18. Nami Parsa N. *Supply of Drugs, Rights and Duties of Governments in International Law*. Tehran: Shahr-e-Danesh Publications; 2014. [Persian]
19. Mirmohammad Sadeghi H. *International Criminal Court*. Tehran: Mizan Publications; 2017. [Persian]
20. Yazdian Jafari J, Dirbaz M. *Methods of Dealing with International Crimes in Transitional Societies*. *Quarterly Journal of Criminal Law and Criminology Studies*, University of Tehran. 2019; 48(2): 495-512. [Persian]
21. Falsafi H. *Eternal Peace and the Rule of Law*. Tehran: Farhang-e Nashr Publication; 2017. [Persian]
22. Razavifard B. *International Criminal Law*. Tehran: Mizan Publications; 2015. [Persian]
23. Fazaely M. *Military intervention in Yemen from the perspective of international law*. *Public Law Studies Quarterly*. 2016; 46(1): 41-70. [Persian]